



مقالات و اعلامیه های برگزیده  
 از کار ۲۱۸ - چهارشنبه ۲۱ مهر ۱۳۷۸

**سرمقاله**

حمایت خامنه‌ای از خاتمی  
 حمایت از جنبش دوم خرداد نیست

**یادداشت**

سلاحی قدرتمندتر از همه سلاح‌ها!

قوه قضائیه، از حرف تا عمل!

اکثریت مجلس این هفته به جنگ مطبوعات می‌رود

با حمایت صریح خامنه‌ای از محمد خاتمی  
 محافظه‌کاران در نخستین رویارویی آشکار  
 خود با رئیس‌جمهور، شکست خوردند

دادگاه انقلاب آذربایجان شرقی چهارده دانشجو  
 را به زندان‌های ۷ تا ۹ سال محکوم کرد

مردم ایران رابطه علنی با آمریکا می‌خواهند

مجلس چندین ماده محدودکننده دیگر  
 بر قانون انتخابات افزود

بحران در جامعه روحانیت مبارز!

**تظاهرات سراسری ایرانیان در برلین**

دهها حزب و سازمان ایرانی و خارجی  
 خواهان پایان دادن به فشار علیه  
 دانشجویان در ایران شدند

با کار تماس بگیرید

## سرمقاله

# حمایت خامنه‌ای از خاتمی حمایت از جنبش دوم خرداد نیست

روز جمعه ۹ مهرماه، خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه از خاتمی رئیس‌جمهور دفاع کرد و گفت نوشته نشریه موج را نباید به حساب دولت گذاشت. او ضمن استقبال از واکنش نشان دادن پ‌مردم‌پ در قبال آنچه که آن را توهین به امام زمان خواند، گفت مجازات نویسندگان چنین مطالبی منتشر شود، انتقاد کرد و آنان را به تجدید نظر در سیاست‌هایشان فرا خواند. فرهنگی دولت که می‌گذارند چنین مطالبی منتشر شود، انتقاد کرد و آنان را به تجدید نظر در سیاست‌هایشان فرا خواند. چه اتفاقاتی افتاد که رهبر حکومت اسلامی تنها چند هفته پس از سخنانش در مشهد که در آن، نویسنده مقاله‌ای بسیار محتاطانه علیه مجازات اعدام را تلویحا مستحق اعدام دانست، هوادارانش را به اعتدال فرا خواند؟ آیا او به هواداران توسعه سیاسی و رواداری پیوسته است؟ آیا از این پس، جنبش دوم خرداد می‌تواند روی حمایت یا حداقل بی‌طرفی ولایت فقیه حساب کند؟

این نخستین بار نیست که خامنه‌ای ظرف مدت کوتاهی از یک سو به سویی دیگر مانور می‌دهد. دو روز پس از یورش نیروی انتظامی به کوی دانشگاه در تیرماه، رهبر حکومت از قربانیان این یورش دلجویی کرد، اما تنها ۴۸ ساعت بعد ((فرزندان بسیجی))ش را فرا خواند تا به سیاق حمله به کوی دانشگاه، تظاهرات دانشجویان را متفرق و آنان را ((منکوب و مرعوب)) کنند. در آینده نیز باید منتظر چنین مانورهایی در مواضع خامنه‌ای باشیم.

در سخنرانی اخیر خود نیز، او دفاع از شخص خاتمی را با حمله به مهم‌ترین و ملموس‌ترین دستاورد دوم خرداد که باز شدن نسبی فضای فرهنگی و افزایش امکان بیان عقاید و نظرات مختلف در مطبوعات است، توأم نمود و به هوادارانش فرصت داد تا در این عرصه همچنان دولت را زیر فشار قرار دهند و به مبارزه خود با آن ادامه دهند. اطلاعاتی دوم جامعه روحانیت مبارز در حمله به سیاست‌های فرهنگی دولت با استفاده از چنین فرصتی تهیه شد.

موضع‌گیری اخیر خامنه‌ای یک مانور سیاسی برای جلوگیری از بحران بیشتر و کنترل آن بود. رهبر جمهوری اسلامی همواره دو کارکرد و نقش توأم داشته و دارد. او هم رهبر جناح فقهاتی و محافظه‌کار رژیم است و هم رهبر کل رژیم. معمولا و در اکثر موارد، او می‌تواند این دو نقش را ایفا کند، بدون اینکه دچار تناقض شود. اما مواردی نیز هست که خامنه‌ای در موقعیت خود به عنوان رهبر نظام، به عنوان کسی که قاعدتا باید بیش از سایرین نگران ثبات نظام باشد، ناگزیر است از تندروی‌های افراطی‌ترین عناصر جناح راست بکاهد و آنان را به عملکرد ((معقول)) فرا خواند. چنین موقعیتی، در هفته‌های اخیر پیش آمد. طوفانی که از ((موج)) برخاست و حملات عنان‌گسیخته افراطی‌ترین جریان محافظه‌کاران، بحران را به سمتی برد که امکان بروز هرج و مرج در ابعاد سراسری در آن هویدا شده بود و می‌توانست به نقطه‌ای برسد که نه از تاک نشانی ماند، نه از تاک‌نشان. خزلی، خاتمی را از فرار از کشور

می‌ترساند، نقدی اعلام کرده بود که ((حکم خدا)) را شخصا به اجرا خواهد گذاشت. خامنه‌ای این خطر را دریافت (بیش از او نیز شامه تیز رفسنجانی خطر را حس کرده بود) و بحران هولناکی را که فرا می‌رسید، به چشم دید. او تشخیص داد مدافعان ارتجاع و ولایت قدرت آن را ندارند که ((پروژه بنی‌صدری کردن)) اوضاع را تا به آخر پیش ببرند و خود و کل نظام را با بحران غیرقابل پیش‌بینی روبرو می‌کنند. خامنه‌ای اوقیانوس عظیم نارضایتی مردم را تا کنون بارها به چشم دیده است. او نه دوم خرداد ۷۶ را فراموش کرده است و نه از کابوس ۱۸ تیر ۷۸ رهایی یافته است. او می‌داند که در جامعه چه نفرت عظیمی نسبت به زور و قلدری انباشته شده است. او نیروی آماده مقاومت و انفجار حتی در بخشی از خود حکومت را هم می‌بیند و می‌داند که مبارزطلبی‌های کسانی چون خزلی و نقدی بازی با آتش است و این مرتجعین توان رو در روی آشکار با مردم را ندارند و به همین دلیل مجبور شد با روشن‌ترین کلمات، هواداران افراطی خود را از دمیدن بر امواج توفان منع کند.

برکناری یا استعفای خاتمی زیر فشار افراطیون راست، بیش از هر چیز به بی‌ثباتی نظام دامن می‌زند. خامنه‌ای تنها در شرایطی حاضر می‌بود ریسک این بی‌ثباتی را به جان بخرد که مطمئن باشد قادر به مهار بحران ناشی از چنین تلاطمی خواهد بود، در رهبر حکومت اسلامی چنین اطمینانی مطلقا وجود ندارد. با وضعیت ملتهب کنونی در جامعه، با نارضایتی گسترده در میان مردم، با در نظر داشتن ابعاد برآمد جنبش توده‌ای که در تیرماه گذشته ظرف چند روز ایران را تکان داد، تن دادن به چنین ریسکی، خامنه‌ای قمار بسیار خطرناک است که حاضر به وارد شدن بدان نیست.

با فروکش کردن ((طوفان)) اکنون ابزار قانونی برای از نفس انداختن جنبش اصلاح‌طلبی بار دیگر در مرکز توجه قرار گرفته است و مجلس آماده می‌شود تا ضربه هولناک دیگری بر پیکر مطبوعات وارد آورد. در شرایطی که واکنش مردم در دوران‌های ((طوفان))ی می‌تواند بسیار هراس‌انگیز و هولناک باشد، استفاده از ابزار قانونی برای دشمنان آزادی هر چند خسته‌کننده و کند، اما مطمئن‌تر به نظر می‌آید!

اینکه اصلاح‌طلبان حکومت اکنون می‌کوشند از سخنان اخیر خامنه‌ای در جهت دفع حملات راستگرایان بهره گیرند، به خودی خود منفی نیست. سیاستی قابل انتقاد است که در مضمون، به جاری شدن اراده محافظه‌کاران تن دهد و تنها دلخوشی خود را در تعارفات رد و بدل شده بین رهبر و برگزیده دوم خرداد بجوید. سیاستی قابل انتقاد است که فراموش کند خامنه‌ای، همان خامنه‌ای ۲۳ تیر است. همان است که در مشهد، حکم ارتداد نویسنده نشاط را صادر کرد و زمینه‌ساز تعطیل نشاط شد. همان است که در اوج اختلاف بر سر نظارت استصوابی، صریحا جانب شورای نگهبان را گرفت. سیاستی قابل انتقاد است که نقش ارتجاعی ولایت فقیه را در ساختار سیاسی ایران توجیه کند و بدتر از آن به دفاع از آن برخیزد و آن را حامی و پشتیبان اصلاحات و دموکراسی وانمود سازد

## یادداشت

### سلاحی قدرتمندتر از همه سلاح‌ها!

در حالی که در اوج حملات محافظه‌کاران به رئیس‌جمهور به بهانه چاپ نمایشنامه‌ای در یک نشریه دانشجویی، محمد خاتمی از مخالفان خود خواسته بود که ((موج را به طوفان تبدیل نکنند))، اما تنها زمانی که علی خامنه‌ای به صراحت از خاتمی به دفاع برخاست و اعمال خودسرانه خارج از قانون را نفی کرد، این موج فرو خوابید و توپخانه محافظه‌کاران خاموش شد. در همان حال که هواداران دولت که برای نخستین بار ولی‌فقیه را حامی خود یافته و از عقب‌نشینی محافظه‌کاران شادمانی می‌کنند، دشمنان آزادی در عرصه‌های تعیین‌کننده‌تری بخت خود را برای پیروزی می‌آزمایند. طرح اصلاح قانون مطبوعات قرار است این هفته در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. مجلس کار اصلاح قانون انتخابات را به پایان رسانده است و با افزودن مواد ارتجاعی دیگری بر آن، شرایط برگزاری انتخابات را به سود محافظه‌کاران سهل‌تر کرده است. دادگاه مطبوعات، نشاط را برای همیشه تعطیل کرده و اکنون فشار را بر سایر نشریات باقی‌مانده اصلاح‌طلب تشدید نموده است. در حالی که جناح هوادار دولت، همه تلاش خود را برای آرام نگاه داشتن دانشجویان به کار گرفته است، دادگاه‌های انقلاب به تعقیب و پیگیری دانشجویان مبارز و آزادی‌خواه ادامه می‌دهند و برای آنان زندان‌های سنگین و طویل‌مدت می‌برند، از دانشگاه‌ها اخراجشان می‌کنند و می‌کوشند با استفاده از کوشش دانشجویان برای جلوگیری از ایجاد آشوب‌های موردنظر محافظه‌کاران، کمر جنبش آنان را بشکنند.

با این همه محافظه‌کاران دشمن آزادی، در هراسی رو به افزایش به سر می‌برند و علیرغم همه اقدامات سرکوبگرانه خود، از پیروزی در انتخابات مجلس ششم، که مهم‌ترین هدف آنان را تشکیل می‌دهد، مطمئن نیستند. آنان اگر ابزارهای قدرت را در دست دارند و به خوبی نیز از آن‌ها استفاده می‌کنند، اما از داشتن یک ابزار تعیین‌کننده، یعنی اعتماد و جانبداری مردم محروم هستند. و به نظر چنین می‌رسد که مردم آماده می‌شوند تا از فرصت تاریخی دیگری که انتخابات مجلس ششم، علیرغم همه محدودیت‌های ایجاد شده بر سر راه آن، برای آنان ایجاد کرده است، بار دیگر ضربه خوردکننده‌ای بر استبداد و دیکتاتوری وارد آورند. اقدامات محافظه‌کاران برای آن‌که بتوانند جلوی سرریز شدن اراده مردمی را که آزادی می‌خواهند، سد کنند، حقیرتر از آن است که آنان بتوانند به آینده امیدوار و خوش‌بین باشند.

### قوه قضائیه، از حرف تا عمل!

انتصاب هاشمی شاهرودی به جای آیت‌الله یزدی به ریاست قوه قضائیه، با استقبال و امیدواری طرفداران دولت روبرو شد. رییس قوه قضائیه، در سخنرانی‌های متعددی که در مدت کوتاه مسئولیت تازه خود داشته است، به این امیدواری‌ها دامن زد و ((توسعه قضایی)) و ((غیرسیاسی کردن قوه قضائیه)) را از اهم برنامه‌های خویش اعلام کرد، آدم‌هایی نیز آمدند و رفتند، هرچند تغییرات بیشتر جابجایی مقامات بود تا تغییر مقامات. اما نگاهی به چالش‌های مهمی که این قوه در این مدت با آن‌ها روبرو بوده است، نشان می‌دهد در عمل، کار در قوه قضائیه بر همان منوالی می‌چرخد که سابق می‌چرخید و تغییر مهمی دیده نمی‌شود. پرونده قتل‌های نویسندگان و آزادی‌خواهان ایرانی، همچنان در کشوی میز دادستان سازمان قضایی نیروهای مسلح باقی مانده است و هیچ نشانه‌ای از این که این پرونده از بن‌بست خارج شود و عاملان و آمران اصلی این جنایات هولناک در برابر دادگاهی عادلانه قرار بگیرند، به چشم نمی‌خورد. مدت‌ها از آخرین اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح می‌گذرد و هیچ مقام مسئولی بعد از آن حاضر نشده است در برابر افکار عمومی و روشنفکران توضیحی در مورد چگونگی پیشرفت روند این برنامه ارائه دهد. اعلام دستگیری‌های تازه را هیچ‌کس نشانه‌ای در جهت خارج شدن پرونده این قتل‌ها از بن‌بست ارزیابی نکرده است.

دادگاه‌ها به جای مجازات چماق‌داران و گروه‌های سرکوبگری که دانشجویان را به خاک و خون کشیدند و فاجعه کوی را آفریدند، به فشار و پیگرد و مجازات و محاکمه دانشجویان آزادی‌خواه ادامه می‌دهند. از جمله این احکام ناعادلانه می‌توان به محکوم کردن ۱۴ دانشجوی دانشگاه تبریز به حبس‌های ۷ تا ۹ سال اشاره کرد که هیچ واکنش اعتراضی از سوی ریاست تازه قوه قضائیه نیز نسبت به آن مشاهده نشده است. رئیس دادگاه انقلاب اسلامی تهران نیز خبر صدور حکم اعدام چهار نفر از ((عوامل اغتشاش))‌های تیر ماه تهران را اعلام کرده است و هنوز هیچ مقام قضایی علیرغم اظهار بی‌اطلاعی، حاضر به تکذیب رسمی خبر این احکام اعدام نشده است. در همین حال از دانشگاه‌های مختلف خبر می‌رسد که بسیاری از دانشجویان از دانشگاه‌های آزاد و دولتی بدون هیچ دلیل و بدون برگزاری هیچ دادگاهی از سوی مقامات دانشگاه‌ها و یا به دستور مقامات امنیتی اخراج شده‌اند.

قاضی سعید مرتضوی، قاضی دادگاه مطبوعات، در مقام خود پابرجاست و به عنوان آخرین ثمره تلاش‌های ضد آزادی خود، حکم بی‌سابقه تعطیل روزنامه نشاط و سی ماه زندان برای مدیر مسئول آن را صادر کرده است. قوه قضائیه، به هیچ یک از استمدادها، تقاضاها و نامه‌های سرگشاده مسئولین این روزنامه در مورد این حکم سنگین، پاسخ نداده است. اقدامات غیرقانونی که در جریان پرونده روزنامه نشاط صورت گرفت، در سال‌های گذشته و از جمله زمان ده ساله ریاست یزدی بر این قوه بی‌سابقه بوده است. مدیر مسئول هفته‌نامه آبان به دادگاه ویژه روحانیت احضار شده است و مدیران مسئول روزنامه‌های دیگر، نوبت خود در انواع دادگاه‌ها را انتظار می‌کشند.

در چنین فضایی و در کوران چنان تصامیم ضدآزادی است که بیش از پیش این پرسش برجسته می‌شود: می‌خواهند مردم را به کدام تغییرات در این قوه امیدوار نگاه دارند؟ آنچه اکنون مشاهده می‌شود این است که قوه قضاییه همچنان در چنگ محافظه‌کاران باقی مانده و به عنوان سنگری علیه جنبش اصلاح‌طلبی و آزادی‌خواهی عمل می‌کند.

## اکثریت مجلس این هفته به جنگ مطبوعات می‌رود مردم از نمایندگان اصلاح‌طلب ایستادگی در برابر طرح نابودی مطبوعات را می‌خواهند

این هفته مجلس شورای اسلامی شور دوم لایحه اصلاح قانون مطبوعات را در بررسی و تصویب قرار داده است. در حالی که علیرغم وعده‌های ناطق‌نوری رئیس مجلس به هنگام تصویب کلیات طرح، کمیسیون‌های بررسی کننده ((اصلاح)) قانون مطبوعات، بر موارد محدودکننده این طرح به میزان زیادی افزوده‌اند و آن را به سلاخی برای مقابله با مطبوعات اصلاح‌طلب تبدیل کرده‌اند، فشار افکار عمومی برای مسکوت ماندن این طرح دم به دم بیشتر می‌شود. روزنامه‌نگاران و تشکل‌های دانشجویی و مردمی با انتشار بیانیه‌های متعددی خواستار آن شده‌اند که مجلس این طرح را تصویب نکند. انجمن صنفی روزنامه‌نگاران در پیام سرگشاده‌ای به ریاست مجلس همین خواست را مورد تاکید قرار داده است. دوازده تشکل وابسته به دوم خرداد با انتشار بیانیه مشترکی از نمایندگان مجلس خواسته‌اند به مسکوت ماندن طرح رای دهند. آن چه در این میان قابل توجه است، نبودن امضای بزرگ‌ترین تشکل‌های وابسته به دو خرداد یعنی مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در پای این اعلامیه است.

### تاکتیک بعد از ((طوفان))

شکست تلاش محافظه‌کاران برای تبدیل موج به طوفانی علیه اصلاح‌طلبان، آنان را واداشت که تصویب طرح اصلاح مطبوعات را با عجله وارد دستور کار مجلس کنند. کلیات این طرح در نیمه اول تیر ماه، علیرغم اعتراضات عمومی و مخالفت همه جانبه روزنامه‌نگاران، نویسندگان و دانشجویان، در فضایی که دشمنان آزادی بعد از توقیف روزنامه سلام، به بهانه انتشار نامه محرمانه سعید اسلامی به وزیر اطلاعات ایجاد کرده بودند، تصویب شد. تدوین همین طرح اصلاح قانون مطبوعات با هدف بستن مطبوعات مستقل، موضوع نامه سعید امامی به وزیر اطلاعات بود. بعد از تصویب کلیات طرح که به یورش به کوی دانشگاه و تظاهرات شش روزه سراسری دانشجویان منجر شد، اکنون نوبت بحث و تصویب جزئیات آن رسیده است.

### عمل به وصیت‌نامه یک ((جاسوس))!

در طرح اصلاح قانون مطبوعات، نمایندگان سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و ائمه جمعه بر ترکیب اعضای هیات نظارت بر مطبوعات اضافه شده‌اند و به این هیات اختیار داده شده است هر روزنامه‌ای را که متخلف تشخیص می‌دهد، بدون تشکیل دادگاه مطبوعات و حضور هیات‌منصفه، تعطیل کند. در تدوین جزئیات طرح، کمیسیون مشترک حقوقی، قضایی ارشاد و هنر اسلامی مجلس، شرایط فعالیت مطبوعات مستقل و روزنامه‌نگاران را دشوارتر و دست دشمنان آزادی را در بگیر و ببند نویسندگان، روزنامه‌نگاران و سرکوب آزادی بیان بازتر کرده‌اند. کمیسیون مشترک مجلس با همکاری سعید مرتضوی رئیس دادگاه مطبوعات که تاکنون حکم تعطیلی چندین نشریه و روزنامه اصلاح‌طلب را صادر کرده است، در تدوین جزئیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، نامه سعید امامی را مو به مو پیاده کرده‌اند و طبق توصیه‌های وی، طرح قانون مطبوعات را چنان تنظیم کرده‌اند که راه مداخله دادگاه انقلاب در جرایم مطبوعاتی باز باشد و مخالفان آزادی بتوانند علاوه بر مدیران مسئول مطبوعات، نویسندگان و سردبیران را هم محاکمه کنند، آن‌ها را ممنوع‌الکلم سازند و به زندان بیاورند. سعید امامی در نامه خود به وزیر اطلاعات تاکید کرده بود تنها با تعطیل چند روزنامه و محرومیت مدیران مسئول آن‌ها نمی‌توان جلوی فعالیت نویسندگان را که در روزنامه‌های مختلف قلم می‌زنند و از روزنامه‌های که تعطیل می‌شود به روزنامه دیگر کوچ می‌کنند، گرفت. باید قانونی تدوین کرد که از نوشتن آنان جلوگیری کند.

### خلف وعده

برخورد نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی با کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات، در مجموع برخورد منفعلانه‌ای بوده است. سه ماه پیش، هنگامی که جلسه رای‌گیری برای رد یا پذیرش کلیات طرح در مجلس تشکیل شد، بیش از هشتاد نفر از نمایندگان اصلاح‌طلب حکومتی و نمایندگان به اصطلاح مستقل غایب بودند و این طرح در غیاب آنان به تصویب رسید. اصلاح‌طلبانی هم که در مجلس بودند، چنان به توصیه‌های خامنه‌ای و وعده‌های ناطق‌نوری دلخوش کردند که سنگر بدون مقاومت به دشمنان قسم خورده آزادی تسلیم شد. تصویب این طرح چنان در آرامش و بدون مخالفت موثر صورت گرفت، که اعتراض روزنامه‌های اصلاح‌طلب را برانگیخت. سه ماهه گذشته را در حالی که نمایندگان جناح محافظه‌کار سرگرم تدوین جزئیات و تشدید محدودیت فعالیت مطبوعات بودند، اصلاح‌طلبان حکومتی به دانشجویان هشدار می‌دادند که از ((اغتشاش)) بپرهیزند و روزها را با این امید سپری می‌کردند که ناطق‌نوری به وعده‌هایش عمل خواهد کرد، روزنامه‌نگاران را برای مشاوره دعوت خواهد کرد، نظر کارشناسان را جویا خواهد شد و خواسته‌های اصلاح‌طلبان را به هنگام تهیه جزئیات طرح رعایت خواهد کرد. ناطق‌نوری

خلف وعده کرد، همان طور که از او انتظار می‌رفت.

## سردرگمی

امروز نیز در حالی که مجلس پنجم در آستانه یکی از سرنوشت‌سازترین تصمیم‌های خود قرار دارد، جناح اصلاح‌طلب مجلس هنوز نتوانسته است سیاست واحدی را در برخورد با طرح اصلاحی قانون مطبوعات اتخاذ کند. به نوشته روزنامه خرداد، دسته‌ای از نمایندگان طرفدار دولت می‌خواهند با دادن پیشنهادهای بیشتر و درخواست حذف مواد محدودکننده قانون، آن را قابل‌تحمل‌تر سازند. دسته دیگر، دست به دامن رئیس‌مجلس و رهبر شده‌اند. دسته سوم به فکر ترک جلسه مجلس و آبیستراکسیون هستند، اما دیگر نمایندگان اصلاح‌طلب با آن‌ها مخالفت می‌کنند. مسکوت گذاشتن طرح، راه حل دسته چهارم است.

روز شنبه گذشته دوازده تشکل طرفدار دوم خرداد با انتشار اطلاعیه مشترکی، از نمایندگان مجلس خواستند که به طرح اصلاح قانون مطبوعات رای ندهند و آن را مسکوت گذارند. بیانیه مذکور را مجمع نمایندگان خط امام مجلس شورای اسلامی، مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی، مجمع نیروهای خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب اسلامی کار، حزب همبستگی ایران اسلامی، دفتر تحکیم وحدت، خانه کارگر، انجمن اسلامی معلمان، انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی جامعه پزشکی ایران و انجمن اسلامی مهندسان ایران امضا کرده‌اند. در حالی که انتشار این بیانیه، نشانگر قاطعیت بخشی از نیروهای دوم خرداد در مخالفت با طرحی است که نابودی مطبوعات اصلاح‌طلب را هدف قرار گرفته است، نبودن نام بزرگ‌ترین تشکل‌های حکومتی طرفدار دولت یعنی مجمع روحانیون مبارز، جبهه مشارکت اسلامی و حزب کارگزاران سازندگی در پای این اعلامیه پرسش‌های زیادی را ایجاد کرده است. بیشترین نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس متعلق به این سه تشکل هستند. آنان به نمایندگان وابسته به خود در برابر طرح محافظه‌کاران چه رهنمودی داده‌اند؟

## مردم چه می‌خواهند؟

مردم و روزنامه‌نگاران از اصلاح‌طلبان چه می‌خواهند؟ مردم آزادی می‌خواهند و ایستادگی در برابر متجاوزان به آزادی. ۳۴۹ نفر از روزنامه‌نگاران پنج ماه پیش در نامه سرگشاده به رئیس‌جمهور نوشتند: ((اگر همان روزی که خبرنگار یکی از روزنامه‌ها از سوی یک مقام بلندپایه تهدید شد، اگر همان روز که یک روزنامه پرتیراژ مورد اقبال مردم به سادگی و با شیوه‌ای غیرمعقول تعطیل نمی‌شد، اگر همان روزی که در صدد بودند با یک تلفن ۵ نشریه را تعطیل کنند، اگر همان روزی که روزنامه‌نگاران را بدون توجیه موثق حقوقی به زندان می‌بردند، حریم روزنامه‌نگاری فرو گذاشته نمی‌شد، امروز به این موقعیت نمی‌رسیدیم)).

این ندا و خواست روزنامه‌نگاران و مردم ایران است. هنوز دیر نشده است. در برابر دشمنان آزادی می‌توان ایستادگی کرد و با یکپارچگی و اراده نیرومند، طرح‌ها و نقشه‌های آن‌ها را خنثی کرد و جلوی گستاخی بیشتر آنان را گرفت. روزنامه‌هایی که ارتجاع چماق سرکوب بالای سر آن‌ها گرفته، میلیون‌ها نفر خواننده دارند. باید به این جمعیت عظیم رجوع کرد. راه تحرک جنبش در برابر تعرض ارتجاع، میدان دادن به نیروی مردم است.

در این شرایط که مجلس در آستانه تصمیم‌گیری است، سیاست یکپارچه و هماهنگ نمایندگان اصلاح‌طلب، تاثیر قطعی در عدم تصویب طرح سلاخی مطبوعات می‌تواند داشته باشد.

مردم بی‌تفاوتی، اهمال و سردرگمی و تشمت در آرای اصلاح‌طلبان را نخواهند بخشید. آن‌ها از نمایندگان اصلاح‌طلب ایستادگی، استواری و یکپارچگی می‌خواهند

## با حمایت صریح خامنه‌ای از محمد خاتمی محافظه‌کاران در نخستین رویارویی آشکار خود با رئیس‌جمهور، شکست خوردند

رو در رویی آشکار افراطی‌ترین بخش جناح محافظه‌کار حکومت با رییس‌جمهور، با دخالت علی خامنه‌ای به عقب‌نشینی موقت افراطیون راست انجامید.

## حملات بی‌سابقه

حملاتی که محافظه‌کاران به بهانه انتشار نمایشنامه ((کنکور، وقت ظهور!!)) در نشریه دانشجویی ((موج))، علیه خاتمی در طول دو هفته گذشته سازمان دادند، بی‌سابقه‌ترین رویارویی آنان با وی بود. خزعلی آخوند مرتجعی که به تازگی از شورای نگهبان کنار گذاشته شده است، گفت: ((در کشوری که به امام زمان توهین شود، رییس‌جمهور آن دیگر احترام ندارد... دعا کنید آقای خاتمی این دو سال باقی مانده ریاستشان برگردند به دامن فاطمه زهرا)) و یک روز بعد در یک سخنرانی جنجالی خطاب به خاتمی گفت اگر جلوی ((اهانت‌ها)) را نگیرد ((روزی خواهد رسید که با چهره گرم کرده از کشور خارج خواهد شد)). ((حزب‌الله)) با انتشار بیانیه‌ای ((حجت)) را بر رییس‌جمهور تمام کرد و این خطاریه به طور گسترده‌ای در مطبوعات ارتجاعی بازتاب یافت.

عسکراولادی، دبیرکل جمعیت مولفه، از مردم خواست دست به راهپیمایی‌های سراسری اعتراضی بزنند.

### نقدی: اجرای حکم خدا

محمدرضا نقدی فرمانده حفاظت نیروی انتظامی در یک سخنرانی در برابر زیر دستان خود، اعلام کرد که اگر مسئولان ((حکم خدا)) را اجرا نکنند، او شخصا این حکم را به اجرا خواهد گذاشت. نقدی گفت: ((بنده محمدرضا نقدی، فرزند جواد نه کاری به لباسم دارم نه کاری به درجهام دارم نه کاری به سمتم دارم، حکم خدا را در مورد اهانت کننده‌ها اجرا می‌کنم... هرکس بخواد از این اهانت کننده‌ها حمایت بکند و در هر مقام و منصبی که باشد حکم خدا را در موردش اجرا خواهم کرد... تیربارانمان بکنند اعداممان بکنند ما این کار را خواهیم کرد... این افرادی که اهانت کردند و این کسانی که اهانت را سازمان دادند اگر بیست سال در زندان نگاهشان دارند و زنده باشم بعد از بیست سال هم دستم برسد حکم خدا را اجرا خواهم کرد و این کار را در ملاعام می‌کنم و با اطلاعیه دادن و کمیته درست کردن و توجیه کردن ساکت نمی‌شویم. حکم خدا باید اجرا شود... همان روزی که به ولی فقیه اهانت کردند باید تکلیف را یکسره می‌کردیم!!))

نقدی بعد از سخنان خامنه‌ای که بخشی از آن متوجه تهدیدات او بود، از اجرای ((حکم خدا)) منصرف شد. او در نامه‌ای که برای خامنه‌ای نوشت، اعلام کرد: ((حکم ولایت را فراتر از هر قانون و فتوای شرعی دیگر می‌دانیم و چون همیشه به آن گردن می‌نهیم. حکم ولایت فرمان خداست.))

### جامعه روحانیت: مرا به خیر تو امید نیست!

بحران وقتی به ابعاد کاملا خطرناک و پیش‌بینی نشده‌ای رسید، که جامعه روحانیت مبارز، یعنی ستاد اصلی روحانیون محافظه‌کار، با انتشار اطلاعیه معروف خود، خاتمی را مورد حملات آشکار قرار داد. جامعه روحانیت در اطلاعیه خود نوشت: ((تا کی می‌توان سکوت کرد، همه چیز را به سخره گرفته‌اند باز هم می‌گویند نباید به نام دین، آزادی به خطر بیفتد، اما اگر به اسم آزادی دین‌مان و اعتقاداتمان و مقدساتمان بازچه دست این و آن قرار گیرد چه؟)). جامعه روحانیت مبارز در ادامه اطلاعیه خود با حمله مستقیم به خاتمی نوشت: ((این مسئول محترم (با خلط مباحث سیاسی و دینی و عدم تفکیک میان مراتب شناخت در یک اصل و قرائت‌های متضاد آن) با اتخاذ چنین موضعی دوستان نادان و دشمنان غدار را به مصاف آورده و به جنگ خطیب محترم جمعه (مصباح یزدی) دعوت می‌کنند و به عمد یا غیرعمد (والله اعلم) به دشمن چراغ سبز نشان می‌دهند و موجب تجری آنان می‌شوند)). در انتهای این اطلاعیه روحانیت مبارز نوشته است: ((عکس‌العمل تند مراجع عظام و علما اعلام و طلاب و دانشجویان و قاطبه اهل ایمان در مورد حادثه اخیر هشدار است برای مسئولان محترم نظام که مراقب اوضاع باشند و نگذارند قلوب مومنان بیش از این جریحه‌دار شده و خدای ناکرده دولت را از خود جدا بدانند و بگویند، مرا به خیر تو امید نیست، شر مرسان!!))

انتشار این اعلامیه، اعلام جنگ آشکاری بود که اگر درمی‌گرفت، چه بسا سرنوشت و موجودیت جمهوری اسلامی را با خطری جدی مواجه می‌ساخت.

این اعلامیه، برای آن مقامات عالی‌رتبه‌ای که همواره حفظ جمهوری اسلامی را مقدم بر هر چیزی می‌دانند، بمثابة به صدا در آمدن زنگ خطر بود. به ویژه این که خشم و التهاب و آمادگی نیروهای طرفدار آقای خاتمی برای مقابله با تهاجمی که دیگر روشن بود هدف آن رئیس‌جمهور است، به اوج خود رسیده بود. هاشمی رفسنجانی زودتر از دیگران واکنش نشان داد و مخالفت خود با این اعلامیه و در واقع رو در رویی آشکار با رئیس‌جمهور در شرایط فعلی را اعلام کرد. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد که هر چند هاشمی رفسنجانی عضو جامعه روحانیت مبارز است، اما در جلسات آن شرکت نمی‌کند و اطلاعیه جامعه نیز به رویت او نرسیده بوده است. بعد از او دو نفر دیگر از اعضای این جامعه یعنی جلالی خمینی و حسن روحانی هم ((تبری)) خود از اعلامیه فوق را اعلام کردند و تقوی سخنگوی جامعه روحانیت مبارز فاش ساخت که این اعلامیه را مهدوی کنی دبیرکل این انجمن شخصا تهیه کرده است.

### خامنه‌ای: ایست!

به دنبال این اعلام مخالفت‌ها بود که علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، مجبور شد وارد میدان شود و در یک حمایت آشکار و بی‌سابقه از رئیس‌جمهور، پیروان محافظه‌کار خود را از ادامه راه خطرناکی که در پیش گرفته بودند، باز دارد. خامنه‌ای در سخنان خود با اشاره به حملات مستقیمی که علیه خاتمی صورت گرفته بود، و از جمله بیانیه جامعه روحانیت مبارز، گفت: ((امروز مسئولین متدین کشور وجود خود را در راه خدمت به مردم و اسلام صرف می‌کنند. رئیس‌جمهور یک روحانی متدین و عاشق اهل بیت است که با همه وجود در راه خدا برای پیش‌برد این کشور، احیای نام امام کار می‌کند. این گونه قضایا و حرف‌های دور از منطق و دور از حد قبول را به هیچ وجه نباید به مسئولان مربوط کرد)). خامنه‌ای در ادامه سخنان خود در پاسخ به سخنان محمدرضا نقدی گفت: ((برخی‌ها گفته‌اند که ما اقدام و مجازات می‌کنیم، ابداء، ابداء، این کار در نظام اسلامی به مسئولان کشور مربوط می‌شود، در نظام اسلامی این کارها مربوط به حکومت است.))

((طوفان)) موقتا فرو خوابید و هر چند جامعه روحانیت مبارز، در اطلاعیه دوم خود، باز بر مواضع پیشین اصرار کرد و بخش‌هایی از سخنان خامنه‌ای را که متوجه انتقاد به سیاست‌های فرهنگی دولت بود برجسته کرد، اما این اطلاعیه دیگر پژواکی نیافت. محافظه‌کاران از دامنه حملات به رئیس‌جمهور کاستند و بار دیگر به سراغ ابزار اصلی پیشبرد سیاست‌های ارتجاعی خود یعنی مجلس رفتند.

## دادگاه انقلاب آذربایجان شرقی چهارده دانشجو را به زندان‌های ۷ تا ۹ سال محکوم کرد

دانشجویان زندانی با ارسال نامه‌ای به وزیر فرهنگ و آموزش عالی نسبت به احکام خود و شکنجه در زندان اعتراض کردند

دادگاه انقلاب اسلامی آذربایجان شرقی، گروهی از دانشجویان دانشگاه تبریز را به جرم شرکت در تظاهرات دانشجویی تیر ماه در این شهر، به حبس‌های سنگین ۷ تا ۹ سال زندان محکوم کرد. دادگاه این دانشجویان بطور غیرعلنی، بدون برخورداری از حق دفاع و داشتن وکیل مدافع برگزار شد و حتی از اعلام خبر آن خودداری گردید.

۱۴ نفر از دانشجویان زندانی که بیشتر به کانون مستقل دانشجویی این دانشگاه وابسته هستند، با ارسال نامه‌ای به مصطفی معین، وزیر فرهنگ و آموزش عالی، ضمن اعتراض به محکومیت‌های سنگین خود، از رفتار غیرانسانی که در زندان با آنان صورت می‌گیرد، خبر داده‌اند. در بخشی از نامه این ۱۴ دانشجو از جمله آمده است:

((به استحضار جنابعالی می‌رسانیم که ما دانشجویان دربند زندان تبریز (به پیامد واقعه بیست تیر دانشگاه تبریز) از محیطی که در آن به سر می‌بریم به تنگ آمده‌ایم و از شما به عنوان مقام مسئول و متولی دانشگاه‌های کشور تقاضا داریم، هرچه سریع‌تر به وضعیت ما رسیدگی نمایید)). دانشجویان زندانی در ادامه نامه خود به شرح رفتار غیرانسانی و شکنجه‌هایی که در زندان نسبت به آنان صورت می‌گیرد پرداخته و از جمله نوشته‌اند: پلاس از آن همه بی‌حرمتی، شروع به فحاشی به تمام دانشجویان کرده و ما را معاند نظام خطاب می‌کنند. دانشجویان نوشته‌اند: ((فریاد شکایت و دادخواهی ما را بشنوید)). آنان در نامه خود به وزیر فرهنگ و آموزش عالی، تاکید کرده‌اند ((مومن و معتقد)) به جمهوری اسلامی هستند و پرسیده‌اند پس چرا باید جای آنان در زندان باشد؟ دانشجویان دربند در پایان نامه خود افزوده‌اند: ((دادخواهی خود را به نزد شما می‌فرستیم و تقاضا می‌کنیم با توجه به مفاد ماده (۲۰) قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب و نیز با عنایت به اتمام رسیدگی و انقضای دلیل قرار بازداشت، راه حل قانونی جهت آزادی با قرار وثیقه و یا هر راه حل دیگری، اقدام مقتضی معمول گردد)).

در همین حال، محمدرضا میلانی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد ((متأسفانه هیچ اقدامی برای دانشجویان زندانی تبریز نشده است)). به نوشته روزنامه خرداد، این نماینده خواستار ملاقات با دانشجویان زندانی شده است، اما درخواست او نیز تا کنون از سوی مقامات مسئول دادگاه انقلاب آذربایجان و زندان تبریز بی‌پاسخ مانده است. میلانی در مصاحبه با روزنامه خرداد به برگزاری دادگاه دانشجویان در پشت درهای بسته اعتراض کرد و گفت که توده دانشجویان اتهاماتی را که دادگاه علیه دوستانشان وارد کرده است، باور ندارند. از جمله اتهامات دانشجویان دربند ((ارتباط با عوامل بیگانه)) است.

در همین حال انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تبریز در اطلاعیه‌ای وابستگی دانشجویان زندانی به خود را رد کرد و بدون این که خواهان آزادی آنان شود، به تاکید بر پیگیری خواست‌های دانشجویان بسنده نمود. از واکنش اعتراضی سایر تشکل‌های دانشجویی و از جمله دفتر تحکیم وحدت نیز نسبت به محاکمه غیرعادلانه و احکام صادره نسبت به این دانشجویان گزارشی در دست نیست. کانون مستقل دانشجویان تبریز، که بیشتر دانشجویان دربند وابسته به آن هستند، تاکنون با انتشار اطلاعیه‌هایی خواهان پایان دادن به فشار و پیگردهای دادگاه‌های انقلاب علیه وابستگان این کانون و سایر دانشجویان آزادی‌خواه شده است.

## مردم ایران رابطه علنی با آمریکا می‌خواهند

مردم ایران در حالی که منتظر شنیدن گزارش محتوی نامه بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا به خاتمی بودند، هفته گذشته ناگهان با این خبر در روزنامه‌های کشور روبرو شدند که دولت آمریکا، ایران را به اقدام نظامی تهدید کرده است. در این باره که محتوی نامه کلینتون به رهبران جمهوری اسلامی چه بوده و چرا ایران از طرف آمریکا تهدید نظامی شده است، تاکنون مردم از زبان مقامات رسمی کشور سخنی شنیده‌اند و نمی‌دانند چرا آن سخنان دلجویانه کلینتون که یک سال پیش در استقبال از سیاست اعلام شده از سوی خاتمی مطرح شد، ناگهان رنگ تهاجم گرفته و واشنگتن سیاست ((گام‌های متقابل)) را حداقل به‌طور موقت کنار گذاشته است.

محتوی کامل نامه کلینتون و پاسخ رهبران جمهوری اسلامی تاکنون فاش نشده است، اما از گفته‌های جمیز روبین سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا و پاسخ حمید آصفی همتای ایرانی او چنین بر می‌آید که مسئله مبارزه علیه تروریسم و به‌طور مشخص انفجار بمب در پایگاه نظامی آمریکا در عربستان سعودی و یافتن عوامل این انفجار، بخشی از نامه کلینتون بوده است. کلینتون در این نامه از مقامات جمهوری اسلامی خواسته است برای یافتن تروریست‌هایی که در پایگاه الخبر در ظهران عربستان بمب گذاشتند، همکاری کند. رهبران جمهوری اسلامی پس از چند روز تعلل، که برخی از روزنامه‌ها این تعلل را نشانه یک درایت سیاسی تعبیر کردند، به مقامات آمریکا نه تنها جواب رد دادند، بلکه تقاضای محاکمه افراد مسئول در سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی وینسن برفراز آبهای خلیج فارس را پیش کشیدند.

پس از پاسخ جمهوری اسلامی، وزارت امور خارجه آمریکا مصاحبه مطبوعاتی ترتیب داد و جمیز روبین سخنگوی این

وزارتخانه اظهار داشت، دولت آمریکا اطلاعاتی مبنی بر دخالت برخی از مقامات ایران در انفجار پایگاه نیروی هوایی الخبر در اختیار دارد، اما این اطلاعات قطعی نیست و در این زمینه هنوز به جمع‌بندی مشخصی نرسیده است. وی تاکید کرد همکاری جمهوری اسلامی در پیگیری پرونده انفجار پایگاه الخابرج، نخستین و مهم‌ترین گام در راه لغو تحریم‌های اقتصادی و بهبود مناسبات طرفین خواهد بود. سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در پایان مصاحبه مطبوعاتی گفت: ایالات متحده حوادث تروریستی را صبورانه پی‌گیری می‌کند و سپس بر اساس منافع ملی این کشور واکنش نشان می‌دهد و حتی اگر لازم باشد به اقدام نظامی متوسل می‌شود.

سخنان روبین و اتهامات عنوان شده از سوی او را، هم سخنگوی وزارت امور خارجه و هم خرازی وزیر امور خارجه رد کردند و گفتند جمهوری اسلامی با انفجار الخابرج ارتباط ندارد و این حادثه مربوط به امور داخلی عربستان سعودی است. روزنامه‌های جمهوری اسلامی طرح موضع انفجار الخابرج را ((بازگشایی پرونده کهنه)) و رفتار آمریکا را ((سیاست چماق و هویج)) تعبیر کرده‌اند و نوشته‌اند آمریکا با تهدید و تطمیع به دنبال برقراری رابطه است. اما معلوم نیست چرا جمهوری اسلامی از برقراری رابطه‌ای که بر اساس موازین و عرف بین‌المللی باشد، گریزان است. هیچ‌یک از جناح‌ها به تنهایی مخالف برقراری رابطه با آمریکا نیست به شرط آن که ابتکار عمل را خودش داشته باشد. ماجرای ((لاری گیت)) را مردم فراموش نکرده‌اند. ایران و آمریکا هر دو در برقراری مناسبات دیپلماتیک و اقتصادی ذینفع هستند. آمریکا می‌داند که تهدید و اقدام نظامی علیه ایران نه تنها کارساز نیست، بلکه به جز تشدید نفرت مردم ایران و غیبت طولانی‌تر آمریکا از صحنه سیاسی و اقتصادی ایران و کشورهای آسیای میانه حاصلی نخواهد داشت و امکانات رقبای اروپایی بیشتر خواهد شد. جمهوری اسلامی نیز می‌داند علیرغم هیاهویی که درباره شکست قانون داماتو و اعمال تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران به راه انداخته، اقتصاد ایران ضربات سنگینی از زمان اعمال قانون داماتو متحمل شده است. جمهوری اسلامی برای حل معضلات اقتصادی شدیداً نیازمند سرمایه‌گذاری‌های خارجی است و تلاش‌های رفسنجانی و خاتمی برای جلب سرمایه‌های خارجی چندان موفق نبوده و به نتایج مثبتی نرسیده است. یکی از عوامل عمده شکست تلاش آنها، اعمال تحریم‌های اقتصادی است. تهران و واشنگتن باید در سیاست خصمانه و اعمال تهدید علیه یکدیگر تجدیدنظر کنند و در جهت روابط عادی دیپلماتیک و اقتصادی با مراعات موازین و عرف بین‌المللی قدم بردارند. آنچه در این میان باید مورد تاکید قرار گیرد، مشروط شدن سطح این روابط به اجرای حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی و دست کشیدن سیاست‌های زیاده‌خواهانه از سوی آمریکا است. اما در عین حال هر رابطه و هر سطح از مناسبات باید برای افکار عمومی در هر دو کشور، علنی و آشکار باشد.

## مجلس چندین ماده محدودکننده دیگر بر قانون انتخابات افزود

وزارت کشور اعلام کرد به علت آن که قانون جدید دیر به تصویب رسیده است، آن را اجرا نخواهد کرد تلاش‌های ((قانونی)) جناح محافظه‌کار حکومت به منظور حفظ اکثریت مجلس در انتخابات بهمن‌ماه آینده با نزدیک شدن زمان برگزاری این انتخابات شتاب بیشتری گرفته است. اکثریت محافظه‌کار مجلس فعلی، به سرعت دست‌اندرکار تصویب مقرراتی است که به کمک آن، دشمنان اصلاحات بتوانند مواضع خود را حفظ کنند و مواضع رقبا را یکی پس از دیگری از دستشان خارج سازند. از جمله مصوبات اخیر مجلس، اصلاح قانون انتخابات است که در دو هفته اخیر، مواد دیگری از آن به تصویب رسید.

### مواد ارتجاعی تازه

به موجب یک بخش از مصوبات اخیر، زمان بررسی صلاحیت کاندیداها از ۲۹ روز به ۶۰ روز افزایش یافت. اگر این مصوبه اجرا شود، همه کسانی که در شهریورماه برای شرکت در انتخابات از سمت‌های دولتی خود استعفا دادند، از کاندیدا شدن برای مجلس ششم محروم خواهند شد. این امر از جمله شامل برخی چهره‌های جناح اصلاح‌طلب حکومت مانند عبدالله نوری است که در شهریورماه از نمایندگی شورای شهر تهران استعفا داد. اکثریت مجلس، نخست همه اعضای شوراهای شهرها را از کاندیدا شدن در انتخابات مجلس محروم کرد، و هنگامی که اعضای اصلاح‌طلب شوراها برای شرکت در انتخابات مجلس از نمایندگی شوراها استعفا دادند، ترفند بعدی را به کار بست که متضمن بیرون راندن رقبا از صحنه به بهانه کافی نبودن زمان بین استعفاهای و انتخابات است. اکنون کار محافظه‌کاران چنان به پستی و فرومایگی کشیده است که قوانین را در خدمت حذف یا بازی گرفتن افراد تصویب می‌کنند. رئیس مجلس تشخیص مصلحت نظام را از استعفا برای شرکت در انتخابات مستثنی کردند تا راه ورود رفسنجانی به مجلس را هموار کنند و زمان بررسی صلاحیت کاندیداها را چنان طولانی ساختند تا قبل از همه عبدالله نوری را به عنوان عمده‌ترین کاندیدای اصلاح‌طلبان برای ریاست مجلس، در پشت در مجلس نگاه دارند!

اقدام بعدی مجلس، افزایش حداقل سن رای‌دهندگان از ۱۵ به ۱۶ است. بدین ترتیب، ۱/۵ میلیون نوجوان از حق رای دادن محروم می‌شوند. جناح محافظه‌کار که می‌داند اکثریت رای‌دهندگان به خاتمی را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دادند، می‌خواهد با بالا بردن سن رای دادن، از آرای بالقوه اصلاح‌طلبان بکاهد. زمانی بود که جمهوری اسلامی برای بالا بردن آمار انتخابات، سن رای دادن را نخست به ۱۶ و سپس به ۱۵ سال کاهش داد. اکنون باز هم به دلخواه، سن رای دادن را تغییر می‌دهند، این بار در جهت عکس. ریش و قیچی در دست آقایانی است که اگر می‌توانستند، قوانینی وضع می‌کردند که به موجب

آن فقط طرفداران جناح راست بتوانند در انتخابات شرکت کنند. نکته دیگر در مصوبات اخیر مجلس، این است که طبق مقررات جدید، نه تنها عضویت، که حتی هواداری از ((احزاب و گروه‌های غیرقانونی)) نیز دلیلی کافی برای رد صلاحیت کاندیداهاست. از آنجا که منصوبین شورای نگهبان در هیات‌های نظارتند که درباره رد صلاحیت کاندیدها تصمیم می‌گیرند، با مصوبه جدید دست آنها باز گذاشته شده است تا صلاحیت هر کس را که بخواهند به اتهام هواداری از اپوزیسیون جمهوری اسلامی رد کنند. ((هواداری)) یک مقوله حقوقی نیست و هیچ جا تعریف نشده است. هر عضو هیات‌های نظارت می‌تواند به اتهام ((هواداری)) از اپوزیسیون، هر کس را که بخواهد از دور انتخابات کنار بگذارد.

### آش زیادی شور شده است

مصوبات اکثریت مجلس برای اصلاح قانون مطبوعات چنان رسوا و غیرقابل دفاع است که حتی شورای نگهبان نیز نتوانسته است همه آن چه را که آنان تصویب کرده‌اند، مورد تایید ((قانونی)) قرار دهد. شورای نگهبان مجبور شد یکی از مصوبات مجلس شورای اسلامی مبنی بر دخالت این شورا در عزل و نصب مقامات محلی وزارت کشور را مخالف با قانون اساسی اعلام کرده و آن را رد کند! اکثریت محافظه‌کار مجلس در جریان اصلاح قانون انتخابات مصوبه‌ای را به تصویب رسانده بود که بر طبق آن وزارت کشور را مجبور می‌ساخت مطابق نظر شورای نگهبان، مسئولان محلی وزارت کشور یعنی فرمانداران و بخشداران را که مسئول اجرای انتخابات هستند، برکنار کند. این مصوبه اعتراضات زیادی را برانگیخت و از سوی طرفداران دولت به معنای دخالت شورای نگهبان در مسایل اجرایی انتخابات تفسیر شد.

### وزارت کشور: اجرا نمی‌کنیم!

در مقابله با تدارکات جناح راست مجلس، معاون وزارت کشور دولت خاتمی اعلام کرده است که نظر به پایمال شدن حق مستعفیان شهریورماه و دیر تصویب شدن قانون اخیر در مجلس، این وزارتخانه قانون قبلی انتخابات را اجرا خواهد کرد. هنوز معلوم نیست که آیا وزارت کشور بر این موضع خود باقی خواهد ماند یا نه؟ اما بدون تردید یکی از محورهای اختلاف در هفته‌های آینده این خواهد بود که آیا قانون قدیم باید مبنای برگزاری انتخابات قرار گیرد یا دستپخت تازه مجلس. ترکیب هیات‌های نظارت بر انتخابات نیز از محورهای دیگری است که از هم اکنون پیرامون آن اختلافات نظرات بروز کرده است و هواداران دولت از آن شکوه می‌کنند که ترکیب هیات‌های نظارت دارد کاملاً یک دست و به نفع محافظه‌کاران تعیین می‌شود.

### مشکل همچنان باقی است

اما موضوع اصلی یعنی نظارت استصوابی شورای نگهبان، تقریباً از مواد درگیری جناح‌های حکومتی حذف شده است. با توجه به تصمیم مجلس بر تایید نظارت استصوابی شورای نگهبان، هواداران حکومتی اصلاحات، مبارزه در این عرصه را رها کرده و اکنون به تاکتیک‌های دیگری می‌اندیشند که بتوانند زیان‌های ناشی از این نظارت را به حداقل برسانند. راه حلی که آنان یافته‌اند، معرفی تعداد زیاد کاندیداهاست تا بلکه گروهی از آنان از صافی شورای نگهبان بگذرند. بر این تاکتیک ایرادی نیست، اما مبارزه با نظارت استصوابی شورای نگهبان را نباید لحظه‌ای به فراموشی سپرد. اگر در مجلس این مبارزه پایان یافته است، اما در جامعه تازه آغاز کار است و باید همچنان به مخالفت با این حق ضددمکراتیک ادامه داد و عرصه را بر شورای نگهبان چنان تنگ کرد که برای حذف هر کاندید نمایندگی مجلس، انتظار یک اعتراض گسترده را داشته باشد. برای نیروهای دمکراتیک، وظیفه مهم دیگری نیز در این روزها وجود دارد. این وظیفه دفاع خستگی‌ناپذیر از حق شرکت نیروهای دگراندیش در انتخابات مجلس و پافشاری بر این حقیقت است که بدون شرکت همه نیروها و گرایش‌های سیاسی در ایران، هرگز نمی‌تواند یک مجلس ملی واقعی و دمکراتیک در کشور تشکیل شود.

## بحران در جامعه روحانیت مبارز!

به دنبال اطلاعیه شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز در حمله به رئیس‌جمهور که مورد مخالفت برخی از اعضای آن نظیر هاشمی رفسنجانی، حسن روحانی و جلالی خمینی قرار گرفت، هاشمی رفسنجانی اعلام کرد مدت‌هاست در جلسات جامعه روحانیت مبارز شرکت نکرده است. جلالی خمینی نیز گفت: ((بعد از مسائل پیش آمده در یکی از جلسات این نهاد، دیگر در جلسات جامعه روحانیت شرکت نکرده و بعد از این هم شرکت نخواهم کرد)).

با توجه به بروز اختلافات در میان این نهاد روحانیون محافظه‌کار، محافل طرفدار دولت، احتمال انشعاب در جامعه روحانیت مبارز را مطرح کرده‌اند. محمد سلامتی دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در گفتگویی با روزنامه آزاد پیرامون این موضوع گفت: ((جامعه روحانیت مبارز با سومین بحران انشعاب روبرو است)). به گفته وی: ((جامعه روحانیت مبارز تاکنون ۲ بحران این چنینی را در زمینه انشعاب پشت سر گذاشته است. یکی در سال ۱۳۶۰ که عده‌ای از اعضای آن، مجمع روحانیون مبارز را بوجود آوردند و دیگری در آستانه انتخابات مجلس پنجم که بخصوص هاشمی رفسنجانی را به مسیری کشاندند که در آن انتخابات صف خود را جدا کرد و از حزب کارگزاران سازندگی حمایت کرد. درحال حاضر این تشکل مرحله دیگری از چنین بحرانی را تجربه می‌کند که سومین بحران انشعاب محسوب می‌شود)).

## تظاهرات سراسری ایرانیان در برلین

گروه کثیری از ایرانیان دموکرات و آزادیخواه در شهر برلین آلمان، در روز شنبه ۹ اکتبر با برگزاری تظاهراتی در این شهر، خواهان قطع فشار به دانشجویان و پایان دادن به سیاست سرکوب جنبش دانشجویی شدند و از احزاب آلمانی خواستند که به فشار علیه دانشجویان ایرانی توسط حکومت اعتراض کنند. در این تظاهرات که به دعوت کمیته پشتیبانی از جنبش دموکراتیک مردم ایران برگزار شد، چند صد نفر شرکت کردند.

در قطعنامه پایانی تظاهرات تاکید شده است:

نجات جان مبارزان در خطر اعدام،

اعتراض به سرکوب وحشیانه جنبش دانشجویی و دموکراتیک مردم ایران،

اعتراض به نقض روزانه حقوق بشر در جمهوری اسلامی و قتل‌های سیاسی پی در پی،

آزادی همه زندانیان سیاسی و دانشجویان دربند،

آزادی اندیشه، قلم، بیان و اجتماعات،

رفع هرگونه فشار بر مطبوعات و رسانه‌های همگانی و همچنین انتشار مجدد نشریات توقیف شده،

تظاهرکنندگان همچنین از فراکسیون‌های حزبی در مجلس آلمان خواست‌اند:

۱. در یک سوال پارلمانی، مساله اعدام دانشجویان و کلیه دستگیرشدگان را مطرح کنند،
۲. با اعتراض کتبی به ((قتل‌های زنجیره‌ای)) روشنفکران، روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی، رژیم را از ادامه این جنایات برحذر دارند،

۳. پشتیبانی و امکانات لازم را برای اعزام یک هیات حقوق‌دان بین‌المللی برای رسیدگی به موارد فوق فراهم آورند.

## ده‌ها حزب و سازمان ایرانی و خارجی خواهان پایان دادن به فشار علیه دانشجویان در ایران شدند

در پی نشست روز ۱۲ سپتامبر هیات نمایندگی سبزه‌های فرانسه و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، حزب سبزه‌های فرانسه از کلیه احزاب، سازمان‌ها، انجمن‌ها و سندیکایی ایرانی و فرانسوی جهت یک اقدام مشترک برای نجات جان دانشجویان ایران دعوت کرد.

ده‌ها حزب، سازمان و شخصیت‌های ایرانی و فرانسوی و همچنین از دیگر کشورها به این فراخوان پاسخ مثبت دادند و با برپایی یک گردهمایی اعتراضی در برابر سفارت جمهوری اسلامی ایران، قطعنامه‌ای را به تصویب رساندند که در آن بر موارد زیر تاکید شده است:

آزادی فوری زندانیان سیاسی و برخورداری آزادانه زندانیان از وکیل مدافع، قطع فشار و شکنجه، شلاق و سنگسار؛

احترام به حق دفاع و حضور ناظران بین‌المللی در محاکمات و دسترسی آن‌ها به پرونده متهمین و حضور در مراحل محاکمه؛

اعلام انزجار از چگونگی پرونده اتهام به جاسوسی عده‌ای از ایرانیان؛

تعلیق حکم اعدام دانشجویان از سوی دادستانی کل کشور؛

درخواست از جامعه اروپایی و به ویژه فرانسه برای آن که در روابط خود با ایران، اجرای حقوق بشر را از مقامات ایرانی بخواهند.

در گردهمایی ۲۸ سپتامبر و تصویب قطعنامه فوق احزاب و شخصیت‌های زیر شرکت کردند:

اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه، فرانس لیبریت، جنبش دوستی بین خلق‌ها و مبارزه علیه تبعیض نژادی، سرزمین انسان‌ها (فرانسه)، جوانان ترک فرانسه، جوانان حزب سبزه‌ها، جنبش صلح، مبارزه علیه نژادپرستی، انجمن روشنفکران فراتر، سندیکای آموزگاران، دبیران و اساتید فرانسه، جوانان سندیکای ت.ژ.ت، سندیکای متحده و دموکراتیک (سود)، حزب سبزه‌ها، حزب کمونیست فرانسه، جنبش جوانان کمونیست فرانسه، لیگ کمونیست‌های انقلابی، انجمن دفاع از زندانیان سیاسی در ایران، کمیته ایرانی علیه اختناق و تروریسم دولتی، کمیته دموکراسی برای ایران، گروه حمایت از مبارزه خلق ایران، جنبش مقاومت ملی ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، اتحادیه سازمان فدائیان خلق ایران، شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران، حزب دموکرات ایران، حزب دموکراتیک مردم ایران، سازمان پارس، جبهه ملی ایران (اروپا)، جمهوری خواهان ملی ایران، حزب جمهوری ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، حزب دموکرات کردستان ایران، انجمن گفتگو و دموکراسی، کمیته ایرانی - فرانسوی علیه اختناق، کمیته زنان علیه سنگسار، اکسیون برای اتحاد و سوسیالیسم در چاد، دموکرات‌های کنگو برازویل، گروه خانواده‌های قربانی جنگ داخلی کنگو و ده‌ها شخصیت و نماینده پارلمان از فرانسه و همچنین شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی ایرانی.



## با کار تماس بگیرید

شماره فاکس : 0049 - 221 - 331 82 90

شماره تلفن : 0049 - 221 - 932 21 36

<http://www.fadai.org/>

[fadai.aksariyat@magnet.at](mailto:fadai.aksariyat@magnet.at)

آدرس کار در اینترنت :

آدرس پست الکترونیکی :

**I.G.e.v** : آدرس پستی

**Postfach 260268**

**50515 Köln**

**Germany**

تک فروشی : معادل ۴ مارک آلمان

بهای اشتراک :

اروپا : شش ماه ۵۵ مارک ، یک ساله ۱۰۲ مارک

سایر کشورها : شش ماهه ۶۲ مارک ، یک ساله ۱۱۵ مارک

### فرم درخواست اشتراک نشریه کار

اشتراک جدید  تمدید اشتراک  شماره اشتراک :

مدت اشتراک : شش ماهه  یک ساله  تاریخ :

Name: ..... نام :

Address: ..... نشانی :

.....  
 .....  
 .....  
 .....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر)

به آدرس فوق پست کنید!

**I.G.e.v** : دارنده حساب

**22 44 20 32** : شماره حساب

**37 05 01 98** : کد بانک

**Stadtsparkasse** : نام بانک

**Köln**

**Germany**